

باسمه تعالی

عنوان کرسی: بررسی سرمایه فرهنگی بورديو ورشد در تعاليم ديني

ارائه دهنده: دکتر طيبه دهقانپور فراشاه (مدرس دانشگاه علامه طباطبائي)

ناقد اول: حجت الاسلام دکتر کریم خان محمدی (دانشيار دانشگاه باقرالعلوم)

ناقد دوم: دکتر جعفر رحمانی (دانشيار جامعة المصطفى العالمية)

مدیر کرسی: حجت الاسلام مجتبی عفتی (مدرس جامعة المصطفى العالمية)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: دو شنبه (۲۳ مرداد ۱۴۰۲)، ساعت ۱۰-۱۲

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از دکتر دهقانپور به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند. در ادامه، ارائه دهنده دکتر دهقانپور به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

چند دهه بیشتر از طرح مفهوم سرمایه فرهنگی نمیگذرد. بااینوجود این مفهوم در تحقیقات خارجی در حوزه فرهنگ نقش ایفا کرده و اخیراً نیز در تحقیقات داخلی با استقبال مواجه شده است. در حقیقت مفهوم سرمایه فرهنگی تأثیر چشمگیری بر جامعه‌شناسی و حوزه نظریه فرهنگی نهاده است. سرمایه فرهنگی که پیشینه نظری تقریباً گسترده‌ای در ادبیات جامعه‌شناسی داشته، مفهوم‌پردازی و بسط نظری آن به‌صورت بنیادین، مرهون تلاشهای نظری پیر بورديو بوده است. این مفهوم در دهه 1290 با ترجمه کتاب "بازتولید" وارد سنت جامعه‌شناسی انگلیسی زبان شده است. بورديو مفهوم سرمایه فرهنگی را برای تحلیل اینکه چگونه فرهنگ و تحصیلات تأثیر متقابل داشته و در بازتولید اجتماعی سهیم هستند، به کار برده است.

با ارائه چنین تعریفی از سرمایه فرهنگی، فرهنگ در مرکز بحثهای "قشربندی اجتماعی و طبقات اجتماعی" قرار گرفت که تا قبل از آن، عمدتاً با مقوله‌های اقتصادی موردسنجش قرار میگرفت. این مفهوم از زمان طرح توسط بورديو، بیش از هر حوزه

دیگری در آموزش و پرورش به کار رفته است، لکن با بسط و تعدیل مفهوم سرمایه فرهنگی از آن در سایر رشته ها نیز استفاده های فراوانی شده است. علاوه بر پیر بوردیو، کالین مرکر، دیوید تراسبی، بونی اریکسون، پل دیماجو را میتوان از جمله نظریه پردازان سرمایه فرهنگی به شمار آورد.

سرمایه فرهنگی از آن دست مفاهیم چند بعدی در علوم اجتماعی است که در بسیاری از حوزه های جامعه نیز تأثیرگذار است به دنبال مطرح شدن مفهوم سرمایه فرهنگی در حوزه جامعه شناسی، پژوهشهای مختلفی انجام شده است که با عناوین مختلف به بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و دیگر متغیرها پرداخته اند. نکته قابل توجه آن است که در پژوهشهای خارجی، تفاسیر و قرائتهای زیادی از مفهوم سرمایه فرهنگی ارائه شده که به فرهنگهای بومی آن جوامع نزدیک است، اما به رغم کثرت استفاده از مفهومی مانند سرمایه فرهنگی در ایران، برآوردی از چگونگی کاربرد این مفهوم در دست نیست با توجه به اهمیت این مفهوم، و همچنین ضرورت بازتعریف این مفهوم از نگاه بومی و دینی، این تحقیق بدان پرداخته است. در واقع آنچه دغدغه تحقیق حاضر است پاسخ به سؤالاتی چون برداشت دینی از مفهوم سرمایه فرهنگی، آیا لزوماً معنا و مفهوم بوردیویی است؟ واژه "فرهنگی" مدنظر در تحقیق حاضر، به چه معنایی اشاره دارد؟ شاخصه هایی که دین به عنوان سرمایه فرهنگی میداند، چه بوده، و نهایتاً دلالتهای سیاست گذارانه بحث حاضر چیست؟ که در جهت پاسخ به آن تلاش شده است.

جهت روشن شدن موضوع رویکردهای مختلف مفهومی، دسته بندی و تشریح میشود. این رویکردها شامل نظریات اندیشمندان در حوزه های ذیل است:

- سرمایه فرهنگی و توسعه: هدف توسعه توجه به جایگاه و شأن اجتماعی انسان جهت حرکت همهجانبه در ساختارهای موجود جامعه بهسوی رفاه مادی و معنوی بشر است. از سوی دیگر به اعتقاد صاحب نظران توسعه، سرمایه فرهنگی شاخصی از توسعه فرهنگی به حساب میآید و به همین منظور ضروری است سیاستگذاران فرهنگی، شناخت کاملی از این سرمایه و برآوردی از رشد آن در اختیار داشته باشند و چگونگی تحول آن را بدانند و منابع را برای تأمین این نیاز به گونه مناسب تخصیص دهند.

- سرمایه فرهنگی و اقتصاد: به طور کلی انواع منابع مالی و سرمایه های پولی که در قالب مالکیت شخصی در خدمت انسان قرار میگیرد، اقتصاد اطلاق میشود. تراسبی معتقد است مفهوم سرمایه فرهنگی به ایده سرمایه انسانی که در علم اقتصاد به کار میرود، نزدیک است. بنابراین رویکرد تراسبی به سرمایه فرهنگی از منظر اقتصادی است، درحالیکه این اصطلاح در رشته هایی دیگر مثل جامعه شناسی به معنایی متفاوت با تفسیر آن در علم اقتصاد به کار رفته است. به اعتقاد تراسبی یکی از ابزارهای پر کردن شکاف میان اقتصاد و فرهنگ، مطرح نمودن رهیافتی برای بازنمایی پدیده های فرهنگی است که ویژگیهای ذاتی این پدیده ها را طوری در برمیگیرد که هم در گفتمان اقتصادی و هم در گفتمان گسترده تر فرهنگی قابل درک است. سرمایه فرهنگی نوعی دارایی مجسم کننده، ذخیره کننده یا تأمین کننده ارزش فرهنگی به حساب می آید. وی معتقد است که

سرمایه فرهنگی، هم ارزش فرهنگی و هم ارزش اقتصادی می آفریند. به اعتقاد او سرمایه فرهنگی قابل تفکیک به سرمایه فرهنگی ملموس و غیرملموس است.

- سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی: به کلیه روابط اقتدار، اعتماد و هنجارها برای یک موضع اجتماعی در شبکه تعاملی جامعه، سرمایه اجتماعی اطلاق میشود. در این باره گولد اظهار میکنند که سرمایه فرهنگی جزئی از سرمایه اجتماعی است. از آنجاکه اعضای یک اجتماع مبادلات فرهنگی را تقبل میکنند، آنها پیوندهای اجتماعی را توسعه میدهند و بنابراین به سرمایه اجتماعی کمک میکنند. کسان دیگری هم چون پاتنام نیز سرمایه اجتماعی و فرهنگی را به لحاظ دارا بودن و تعلق در مقابل هم میبینند.

از این منظر سرمایه فرهنگی متعلق به فرد و سرمایه اجتماعی نزد اعضای یک گروه است. هم سرمایه فرهنگی را نوع دیگری از سرمایه میدانند که در یک سازمان وجود دارد: مانند تحصیلات عالی اعضای سازمان که این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی خاص تبدیل به سرمایه اقتصادی میگردد.

- سرمایه فرهنگی و مدیریت فرهنگی: مدیریت فرهنگی مسئول عملی کردن سیاست های فرهنگ است که شاید روشن و صریح یا بهطور ضمنی بیان نشده باشند. تمام شکل های مدیریت، دارای سه جزء تشکیلات، طرح و منابع هستند. مدیریت فرهنگی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در تمام کشورها دو نوع مدیریت فرهنگی وجود دارد:

۱- مدیریت فرهنگی (عمومی) دولتی و یا شبهدولتی که معمولاً در سه سطح مختلف ملی، منطقهای و محلی وجود دارد.

۲- مدیریت جامع (سازمانها، نهادها و انجمنهای فرهنگی)، صرفنظر از پایگاه اجتماعی، وظایف، اندازه و اهمیت آنها است. میتوان گفت: مدیریت فرهنگی دولتی دربرگیرنده ابزاری برای پیشبرد یک سیاست فرهنگی در تمام سطوح است. الگوهای سازمانی متفاوت مدیریت فرهنگی را بر اساس معیارهایی همچون متمرکز بودن یا فدرال بودن ساختار سیاسی، تمرکز یا عدم تمرکز اقتصادی میتوان به آسانی از یکدیگر متمایز کرد. به علاوه در بسیاری از کشورها وزارت کاملاً مستقلی با عنوان وزارت فرهنگ وجود ندارد.

مدیران فرهنگی در عرصه های مدیریت فرهنگی با تکیه بر اطلاعات علمی و شایسته سالاری و تأکید بر راهبردهای کلان و با استناد به آمار حاصل از مدل سرمایه فرهنگی، شکافهای فکری و بینشی وضعیت مطلوب و موجود را شناسایی کرده و با مهندسی مجدد و مدیریت قدمی در راستای ترمیم و بازتولید مفاهیم فرهنگی و بومی بردارند.

- سرمایه فرهنگی و بازتولید فرهنگی: از زمان مطرح شدن مفهوم سرمایه فرهنگی توسط بوردیو، بیش از هر حوزه دیگری، این مفهوم در حوزه جامعه شناسی آموزش و پرورش به کاررفته است و حجم عظیمی از تحقیقات تجربی پیرامون آن پدید آورده است. باید توضیح داد که بخش عمدهای از تحقیقات انجام شده در این حوزه، توسط پیروان نظریه بازتولید فرهنگی و

به طور خاص در زمینه تأثیر سرمایه فرهنگی بر عملکرد تحصیلی صورت گرفته است، در نظریه بازتولید، سرمایه فرهنگی شامل آموزش و دانش، ذائقه ها و ترجیحات والدین و اطلاعات خاص آنها از سامانه های آموزشی، تحصیلات رسمی مدیریت تعامل نهادی و تعاملات فرهنگی فضای خانواده است. این شکل از سرمایه ممکن است موفقیت تحصیلی فرزندان را به خاطر فعالیتهای محیط خانواده، تحت تأثیر قرار میدهد، این رویکرد با مطالعه سوزان دومایس تجانس دارد.

- سرمایه فرهنگی در جامعه شناسی فرهنگی پی یر بوردیو: بوردیو در سال 1264 هنگامیکه با همکارانش مشغول به تحقیق میدانی بود، با مشکلی روش شناختی روبه رو گردید که در واکنش بدان مشکل، مفهوم سرمایه فرهنگی را وضع کرد. مشکل خاص او به این حقیقت باز میگشت که موانع اقتصادی برای توضیح و تفسیر و تجربه و تحلیل نابرابریهای مشهود در پیشرفت تحصیلی فرزندان طبقات اجتماعی مختلف ناکافی به نظر میرسید. بوردیو خود تأکید داشت که با خلق و جعل مفهوم سرمایه، سهم و نقشی را که نظام آموزشی در بازتولید ساختار اجتماعی دارد، ادا میکند وی سرمایه فرهنگی را عامل تکمیلی نابرابریهای یادشده و بازتولید ساختار فضای اجتماعی یا به عبارت دیگر باز تولید ترکیب طبقات اجتماعی مینداند. بوردیو در مفهوم پردازی سرمایه فرهنگی، با بسیاری از تعاریف سنتی جامعه شناختی که به فرهنگ به مثابه ذخیره ارزشها و هنجارهای مشترک یا به عنوان ابزاری برای ابراز تمایلات مشترک مینگریستند، مخالفت کرد. بنابراین میتوان گفت بوردیو نیز همچون برنشتاین، دیدگاهی دورکیمی به فرهنگ دارد. به اعتقاد آنها، منبع نابرابری در جامعه بیشتر فرهنگی است تا اقتصادی.

اما بوردیو سرمایه فرهنگی را پس از شکستن حصر مفهومی سرمایه و دلالت صرفاً اقتصادی آن مطرح ساخت. اصطلاح سرمایه معمولاً به فضای اقتصادی و مبادله مالی مربوط میشود؛ اما استفاده بوردیو از این اصطلاح گسترده تر است. بوردیو در مقاله انواع سرمایه هر یک از انواع سرمایه را تعریف میکند. وی معتقد است، سرمایه بسته به عرصه های که در آن عمل میکند به چهار شکل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین ظاهر میشود. سرمایه اقتصادی در اندیشه بوردیو شامل درآمد و بقیه منابع مالی است که در قالب مالکیت، درآمد و دارایی جلوه میکند. سرمایه اجتماعی نیز همه منابع واقعی و بالقوه است که میتواند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران یا سازمانها به دست آید. سرمایه نمادین در اندیشه بوردیو محصول شناخته شدن و به رسمیت شناخته شدن توسط دیگران است. و شامل کاربرد نمادهایی میگردد که فرد آن را به کار میگیرد تا به سطوح دیگر سرمایه خود مشروعیت بخشد.

اما در میان انواع سرمایه، سرمایه فرهنگی نقش بسیار مهمی در اندیشه بوردیو دارد. بوردیو در تحقیقی که بر اساس فرضیه عدم تساوی سرمایه فرهنگی انجام داده، سرمایه فرهنگی را به سه دسته تقسیم میکند:

- بعد تجسم یافته یا ذهنی سرمایه بدنی و فردی

- بعد عینی سرمایه عینی فرهنگی

- بعد نهادی سرمایه نهادی و ضابطه ای

سرمایه فرهنگی بوردیو و ادبیات دینی

دستگاه نظری بوردیو دارای اصطلاحات مهمی است که اصطلاح سرمایه با انواع گوناگونش، عادت واره و میدان، از جمله آنها بوده، این سه مفهوم در منظومه فکری بوردیو باهم مرتبط هستند. بوردیو انواع گوناگون سرمایه (اجتماعی، فرهنگی، نمادین و اقتصادی) را با عادت واره و در میدانها زندگی اجتماعی افراد دارای پیوند دانسته، عادت واره ی افراد را تعیین بخش سرمایه شان میدانند. میزان بهره مندی افراد از این سرمایه، به شکل گیری عادت واره شان، تحت تأثیر آن میدانی است که در آن میدان کنش رخ میدهد.

بوردیو در ادبیات خاص خود از اصطلاح «منش» یا «هپیتاس» بهره میبرد که چه بسا بر اساس ادبیات قرآنی بتوان بدان "شاکله" اطلاق کرد؛ «كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» هر کس بر اساس شاکله اش، که در جهان اجتماعی خاصی است زندگی و عمل میکند.

چیزی که در ادبیات دینی توصیف شده، اینکه انسان بر اساس شاکله عمل مینماید، اما چیزی که مورد تجویز و توصیه "است که ارتقاء یابد، اینکه انسان شاکله را به فطرت الهی نزدیک نماید. قواعد و شاخصه ای مربوط به شاکله فطرت مدار را افزایش داده، آنهایی که ضد فطرت الهی است حذف و یا اصلاح نموده، فرآیند آسیب زدایی را در مورد آنها انجام داد.

عوامل رشد

- استجابات: اسلام و ایمان و تقوا

- پیروی از رسول خدا (حاکمیت رهبر الهی)

- خردورزی

- تهذیب نفس

- علم و دانش

پس از ارائه تفصیلی دکتر دهقانپور، ناقد اول حجت الاسلام دکتر کریم خان محمدی که به صورت مجازی در جلسه حضور داشتند در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- طرح مسئله به خوبی ارائه نشده است.
- نحوه ورود به مسئله شفاف نیست.
- چه قرابتی بین رشد و سرمایه زندگی است؟

- روش مقاله مشخص نیست، روش مقایسه ای است یا روش دیگر.
- متن مقاله ذیل عنوان مقاله نمیگنجد، دلالت‌های سیاسی در عنوان نیست.
- باید جمع بندی ملموس و مشخص و برآمده از متن در مقاله باشد که اینطور نیست.
- ایده محوری و ادعای مقاله مشخص نیست.
- در اینگونه موارد مفاهیم قرآنی هم وزن مفاهیم غربی نیست.

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که دکتر جعفر رحمانی به موارد زیر پرداختند:

- مقاله ثقیل به رشته تحریر درآمده است.
- مقاله از لحاظ ساختاری تکه تکه شده است.
- از لحاظ محتوایی مطالب مسلم از مقاله گرفته شده و نیامده است.
- از لحاظ نتیجه گیری، رشد پیامد است و متغیر نیست.
- چگونه دین سرمایه زندگی متبلور شده را کمک میکند.
- بیان مسئله واضح نیست.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش‌های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.